



اگه بخوایم مستقل باشیم، باید با همه قهر کنیم؟

استقلال؛ نه قهر و گوشه‌گیری!

یه سوءتفاهم بزرگ وجود داره که باید همین الان
حلش کنیم: بعضی‌ها فکر می‌کنن وقتی از «استقلال»
حرف می‌زنیم و نمی‌خوایم زیر بار زور بریم، یعنی قراره
درهای باشگاه رو ببندیم، هیچ‌کس رو راه ندیم و کلاً از
مسابقات جهانی قهر کنیم و یه گوشه بشینیم. نه رفیق!
به این می‌گن انزوا؛ یه گوشه‌گیری کسل‌کننده و هیچ
قهرمانی با گوشه‌گیری به جایی نرسیده.

استقلال واقعی، یعنی قدرت انتخاب داشته باشی، اینکه خودت تعیین کنی در چه مسابقه‌هایی شرکت کنی و در کدام رقابت‌ها روی رینگ پا بگذاری و تو هر مبارزه از چه فن‌هایی استفاده کنی. رقابت‌هایی که اونجا یه عده فقط منتظرن بقیه رو تحقیر کنن، یه عده نقشه کشیدن با حرکت‌های غیراخلاقی (مثلاً لگد به پشت ساق) تو رو از بازی بیرون بندازن و حتی مدال‌های قبلیت را هم به زور بگیرن؛ اسمشون را می‌شه مسابقه گذاشت؟ با اینا مسابقه می‌دی؟ معلومه که نه! این حریف را کنار می‌گذاری و از برنامه‌ات حذف می‌کنی.

استقلال، یعنی این قدرت رو داشته باشی که بگی: «من با این سبک مبارزه و با این آدم، مبارزه نمی‌کنم. جرئت کنی بگی من این یکی رو اصلاً ورزشکار نمی‌دونم»؛ اما این به اون معنی نیست که از بقیه قهرمانای دنیا که فن‌های خفن بلدن، فاصله بگیری.

با بقیه تیم‌ها می‌شه کلی برنامه مشترک برگزار کرد؛ از انتقال تجربه و بازی‌های تدارکاتی گرفته تا استفاده از امکانات همدیگه و هر کاری که کمک کنه ما قوی‌تر و قوی‌تر بشیم.

استقلال، یعنی: «من با هرکسی که من رو هم سطح
خودش بدونه، به اصول احترام بذاره و بخواد طبق قوانین
عقلانه و به دور از منفعت‌طلبی یک‌طرفه بازی کنه، دست
می‌دم و تمرین می‌کنم.» استقلال یه حرکت هوشمندانه
است، نه یه قهر و لجبازی بچگانه!